

پژوهشی

تبیین کننده‌های فرزندآوری ایده‌آل زنان همسردار: واگرایی یا هم‌گرایی؟

علی قاسمی اردهائی^۱

چکیده:

باروری ایده‌آل، تعداد فرزند دلخواهی است که یک زن در طول دوران بارداری خود می‌خواهد به آن تعداد فرزند برسد. معمولاً این فرزندآوری ایده‌آل تحت تأثیر برخی از موانع و موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. هدف مقاله این است تا تعداد فرزند ایده‌آل زنان همسردار را در ارتباط با برخی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان قرار دهد تا از این طریق بتوان به واگرایی یا هم‌گرایی رفتار باروری زنان رسید. در پیمایش این تحقیق، ۷۶۰ نفر از زنان همسردار ۱۸ الی ۵۰ ساله ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان اهر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد، به‌طور متوسط هر یک از زنان مورد بررسی ۲/۳ فرزند را به‌عنوان فرزند دلخواه خود عنوان داشتند که با توجه به انحراف استاندارد به دست آمده ($S = 0.75$)، دو فرزندگی الگوی غالب باروری ایده‌آل زنان مورد بررسی است. از مجموع متغیرهای مورد بررسی، تنها دو متغیر محل سکونت و سطح تحصیلات پدر اثر معناداری بر باروری ایده‌آل دارند و مجموع متغیرهای مستقل تنها پنج درصد واریانس باروری ایده‌آل را تبیین کرده‌اند. در جامعه مورد مطالعه، نگرش زنان به رفتار باروری تقریباً یکسان بوده و زنان با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت، رفتار باروری مشابهی را از خود بروز داده و در این زمینه به یک هم‌گرایی رسیده‌اند.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، باروری ایده‌آل، زنان همسردار، هم‌گرایی باروری، واگرایی باروری.

طرح مسئله

باتوجه به شرایط، موانع و محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در سطح کلان (جامعه) و سطح خرد (نگرش‌ها و نیت‌ات زوجین)، در بسیاری از موارد تفاوت چشمگیری بین سطح باروری واقعی و باروری ایده‌آل زوجین دیده شده و در اغلب این موارد میزان باروری ایده‌آل بیشتر از میزان باروری واقعی است. تلاش و برنامه ریزی برای پر کردن شکاف بین این دو میزان و به نوعی همگرایی این دو نوع میزان باروری می‌تواند به افزایش سطح باروری در جامعه کمک نماید.

در مطالعات جمعیتی، باروری یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد جمعیت و از مباحث پویایی‌شناسی جمعیت‌بشمار می‌رود. رفتار باروری براساس محرک‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و نگرش‌های مرتبط می‌تواند به‌عنوان رفتاری اجتماعی (محمودیان، ۱۳۷۹) که در یک محیط اجتماعی حادث می‌شود، در نظر گرفته شود. امروزه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه میزان باروری در سطح جانشینی و حتی پایین‌تر از سطح جانشینی را تجربه می‌کنند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در چند دهه اخیر افت شدیدی را در نرخ‌های باروری خود داشته است. براساس مطالعات انجام شده (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۱۳۸۴) میزان باروری کل در کشور از سال ۱۳۶۴ شروع به کاهش مستمر کرده است. باروری در ایران از ۶٫۹ فرزند به ۵٫۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ و در سال ۱۳۷۵ به ۲٫۸ رسید. برآوردها براساس پیمایش جمعیت و سلامت سال ۱۳۷۹ نشان داد که میزان باروری کل در دوره ۷۹-۱۳۷۷ به نزدیک سطح جایگزینی یعنی حدود ۲٫۳ فرزند برای هر زن رسیده است. سرانجام در سال ۱۳۸۵ به زیر سطح جایگزینی یعنی حدود ۱٫۹ فرزند برای هر زن رسید. در سال ۱۳۹۵ و براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، بطور مقطعی باروری افزایش یافت و میزان باروری کل به عدد سطح جایگزینی (۲٫۱ فرزند) نزدیک شد. البته شواهد آماری حاکی از آن است که برای سال‌های بعد از ۱۳۹۵ (تا سال ۱۴۰۰) شاخص میزان باروری کل دوباره روند کاهشی در پیش گرفته و از سطح باروری جایگزینی فاصله گرفته است.

با در نظر گرفتن حوزه روانشناسی اجتماعی، می‌توان گفت که نگرش‌ها مهمترین عوامل شکل دهنده رفتار محسوب می‌شوند. البته باید در نظر داشت که این موضوع را نمی‌توان با قطعیت پذیرفت، زیرا فرد در شرایطی ممکن است رفتاری از خود نشان دهد که با نگرش وی متفاوت و متضاد باشد. هدف مقاله این است تا تعداد فرزند ایده‌آل زنان همسردار ۱۸ الی ۵۰ ساله شهرستان اهر را در ارتباط با برخی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان قرار داد، تا از این طریق بتوان به واگرایی یا هم‌گرایی رفتار باروری زنان رسید. همچنین، از طریق یافته‌های این مقاله می‌توان به یک برآوردی از میزان باروری واقعی زنان جامعه مورد مطالعه در آینده دست یافت.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نظریه نوسازی به تبیین تغییر و تحولات در نظام خانواده و به ویژه باروری پرداخته است. طبق این نظریه، تغییرات ساختاری از طریق سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات همگانی با تغییر الگوهای باروری ارتباط دارد (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵). ادهیکاری، عوامل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی موثر بر تفاوت باروری در نپال را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت‌های چشمگیری در میانگین تعداد کودکان متولد شده با توجه به محیط‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زنان وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان دهنده آن است که سن در اولین ازدواج زنان، ایده تعداد نوزاد، محل اقامت، وضعیت باسوادی، مذهب، رسانه‌های جمعی، به کارگیری روش‌های برنامه‌ریزی خانواده، بعد خانوار و مرگ و میر فرزندان مهمترین متغیرهای تبیین‌کننده واریانس باروری بوده است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). در بررسی حمیدی گنجه، با عنوان بررسی اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی موثر بر تمایل زنان ۴۹-۱۵ ساله به داشتن فرزند دوم، تحلیل لوجستیک برای بررسی احتمال تمایل به داشتن فرزند دوم نیز نشان داد که سن ازدواج زنان و وضعیت فعالیت آن‌ها و جنس فرزند اول تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال تمایل آن‌ها به داشتن فرزند دوم دارد. متغیر اجتماعی جنس فرزند اول

و متغیر اقتصادی وضعیت فعالیت و متغیر جمعیتی سن ازدواج زنان، در تمایل به داشتن فرزند دوم موثر شناخته شد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵).

در نظریه اقتصاد جدید خانوار، تلاش می‌شود رابطه بین اشتغال زنان و باروری تبیین شود. بر اساس این نظریه، والدین طبقات مرفه‌تر برای خرید کالا و شرکت در فعالیت‌های وقت‌گیر، موقعیت‌های بیشتری دارند. بنابراین، برای پرورش فرزندی با معیارهای مورد نظرشان، تعداد آن‌ها را باید محدود کنند (عسگری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۴). یافته‌های محمودیانی (۱۳۹۳) نشان داد که ۴ درصد واریانس باروری ایده‌آل می‌تواند توسط متغیرهای مستقل تبیین گردد. در جامعه مورد بررسی نگرش زنان به رفتار باروری تقریباً یکسان می‌باشد. بدین معنا که زنان با ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی مختلف قصد دارند رفتار باروری مشابهی را از خود بروز دهند. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که خواستن فرزند کم در اثر اشاعه به یک الگوی غالب تبدیل شده است. نتایج مطالعه عباسی شوازی و صالحی (۱۳۹۲) نشان داد که ناامنی اقتصادی همراه با متغیرهای سن، محل سکونت و تحصیلات افراد، تبیین‌کننده ایده‌آل‌های ازدواج و باروری پایین در میان دو نسل است. به منظور جلوگیری از کاهش بیشتر ایده‌آل‌ها و در نتیجه پیشگیری از شکل‌گیری باروری بسیار پایین، سیاست‌های جمعیتی بایستی با توجه به وضعیت اقتصادی جوانان در سن ازدواج و زوجین در سنین باروری تنظیم شوند و برنامه‌های حمایتی که امنیت اقتصادی جوانان را تضمین نموده و تسهیل‌کننده تحقق ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری می‌باشند، در اولویت قرار گیرند.

لی وین و اسکریم شاو، بر نقش هنجارهای فرهنگی تأکید می‌کنند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. اگر محیط فرهنگی از طریق خویشاوندان و دوستان زن او را به تشویق داشتن فرزند دیگر کنند، گرایش او نیز به داشتن فرزند دیگر بیشتر از زنی است که هیچ تشویقی از نزدیکان دوستان خود دریافت نمی‌کنند (همان). بررسی پژوهان و عرب، نشان داد که تقدیرگرایی در رفتار باروری و نگرش نسبت به هزینه فرزندان از جمله متغیرهایی است که رابطه معناداری را با تعداد فرزندان ایده‌آل و

باروری، هم در بین زنان شاغل و هم در بین زنان غیر شاغل دارد. علاوه بر این، در بین زنان غیرشاغل، متغیر پایبندی به ارزش‌های خانواده بزرگ تأثیر مستقیم و معناداری بر ایده‌آل باروری داشته است (پژهان و عرب، ۱۳۹۵). آرنولد و دی‌گود هوری، در مطالعات خود در مورد ترجیح جنسیتی در کشورهای در حال توسعه، بیان می‌کنند که ترجیح فرزند پسر هنوز به شدت خود در کشورهای آسیای جنوبی، شرقی و خاورمیانه و شمال آفریقا باقی مانده است (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به تبیین‌های مختلف در این زمینه، شواهدی از باروری ایده‌آل و مقایسه آن با باروری واقعی می‌تواند به درک بهتر تغییرات باروری کمک کند. در یک بررسی (Bankole, 1995) در یوروبای نیجریه، نتیجه گرفته شد که تمایلات باروری پیش‌بینی کننده مهم رفتار باروری زوجین بوده است. مطالعات نشان داده‌اند که باروری واقعی کمتر از ترجیحات اولیه است که دلایل این کاهش در باروری واقعی می‌تواند ریشه در رقابت برای کار، اختلال در رابطه زناشویی و ناباروری داشته باشد (Bongaarts, 2001). بکر (۱۹۹۱) معتقد است که تغییرات عمده در باروری به تغییرات در تقاضا برای فرزند برمی‌گردد، که این تقاضا نیز به نوعی به نیت باروری افراد اشاره دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نوع پیمایش و جامعه آماری شامل تمامی زنان همسردار ۱۸-۵۰ ساله شهرستان اهر است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۷۶۰ نفر از زنان جامعه آماری پیمایش شدند. روستاها براساس دهستان خوشه‌بندی گردیدند که دهستان‌های آذغان، اوچ هاچا، بزگش و گوچه بل، بعنوان خوشه انتخاب شدند که در گام بعدی در بین دهستان‌های مذکور، روستاهای آذغان، کسانق، قلندر، زندآباد، کقالق و خونیق بعنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند. در مرحله بعد، از هریک از این روستاها ۲۰ زن همسردار ۱۸-۵۰ ساله بصورت تصادفی مورد پیمایش قرار گرفتند. شهر اهر نیز ابتدا به ۵ منطقه جغرافیایی مرکز شهر، شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم گردید. در ادامه، هر یک از این مناطق به ۱۰ منطقه آماری تقسیم شدند که از هر یک از این مناطق

۱۰ گانه نیز ۲ منطقه بصورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت در شهر اهر نیز داده‌ها از ۶۴۰ زن همسر دار ۵۰-۱۸ ساله جمع‌آوری گردید. پیمایش از طریق اجرای مصاحبه‌های چهره به چهره و بوسیله مصاحبه‌گران زن آموزش دیده و با تجربه انجام شد. اعتبار و درستی داده‌های جمع‌آوری شده در تمامی پرسشنامه‌ها در چندین مرحله یعنی در حضور پاسخگو، هنگام ورود داده‌ها به رایانه و هنگام تجزیه و تحلیل، مورد مذاقه قرار گرفت. سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، سن ازدواج، محل سکونت، سطح تحصیلات پدر، سطح تحصیلات مادر، میزان درآمد، فاصله موالید و ترجیح جنسی فرزند، متغیرهای مستقل این تحقیق را شامل می‌شود، متغیر وابسته نیز شمار فرزندان ایده‌آل است. برای سنجش باروری ایده‌آل سؤال شده است «شما دوست دارید چند فرزند داشته باشید؟». توصیف و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss صورت گرفته است.

یافته ها

اطلاعات جدول ۱، نشان می‌دهد سن ازدواج برای زنان مورد بررسی بین ۱۳ تا ۳۵ سال در نوسان بوده و میانگین سن ازدواج برابر ۲۰٫۶ سال است. ۸۴ درصد از زنان ساکن شهر و بقیه در روستا سکونت دارند. از نظر وضعیت اشتغال نیز ۸۳ درصد از زنان مورد بررسی خانه دار و تنها ۱۷ درصد از آنان شاغل هستند، این در حالی است که بیش از ۳۱ درصد زنان مورد بررسی دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. بیش از ۲۷ درصد زنان مورد تحقیق دارای تحصیلات دیپلم بوده که در مجموع ۵۸ درصد زنان همسر دار ۵۰-۱۸ ساله از تحصیلات دیپلم و بالاتر برخوردارند. با توجه به مندرجات جدول شماره ۱، ۶۱ درصد زنان داشتن دو فرزند را برای زوجین مناسب می‌دانند که بیشترین نسبت نیز می‌باشد، می‌توان گفت ۲ فرزندگی الگوی مورد نظر بیشتر زنان برای داشتن فرزند می‌باشد. البته میانگین فرزندآوری ایده‌آل زنان برابر ۲٫۳۴ با انحراف استاندارد ۰٫۷۵ است. ۲۹ درصد زنان داشتن پسر و ۱۳ درصد نیز داشتن دختر را ترجیح می‌دهند. بنابراین داشتن فرزند پسر در مقایسه با دختر برای زنان مورد مطالعه ارجحیت دارد.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان برحسب متغیرهای تحقیق

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	فاصله موالید	فراوانی	درصد	شمار فرزندان ایده‌آل	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۶۲	۸,۲	۱ سال	۲۵۶	۳۳,۷	هیچ	۱	۰,۱
نهضت و ابتدایی	۱۴۹	۱۹,۶	۲ سال	۲۹۵	۳۸,۸	۱	۶۱	۸
راهنمایی	۸۰	۱۰,۵	۳ سال	۱۲۲	۱۶,۲	۲	۴۶۴	۶۱
دبیرستان	۲۶	۳,۴	۴ سال	۴۲	۵,۵	۳	۱۶۱	۲۱,۳
دیپلم	۲۰۷	۲۷,۲	۵ سال	۳۰	۳,۹	۴	۷۳	۹,۶
دانشگاهی	۲۳۶	۳۱,۱	۶ سال و بالاتر	۱۴	۱,۹	کل	۷۶۰	۱۰۰
کل	۷۶۰	۱۰۰	کل	۷۶۰	۱۰۰			
وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد	محل سکونت	فراوانی	درصد	ترجیح جنسی	فراوانی	درصد
شاغل	۱۲۷	۱۶,۷	روستا	۶۴۰	۸۴,۲	پسر	۲۱۷	۲۸,۶
غیرشاغل	۶۳۳	۸۳,۳	شهر	۱۲۰	۱۵,۸	فرقی نمی‌کند	۴۴۶	۵۸,۷
کل	۷۶۰	۱۰۰	کل	۷۶۰	۱۰۰	کل	۷۶۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۲، توزیع نمونه مورد تحقیق برحسب ویژگی‌های والدین را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول، حدود ۴۸ درصد پدران و ۷۰ درصد مادران بی‌سواد هستند. این موضوع بر شکاف سواد در بین زنان و مردان نسل قبلی دلالت دارد و از سویی دیگر با توجه به سطح سواد نسل فعلی، نشانگر گسترش عنصر سواد و آموزش همگانی در بین نسل حاضر در مقایسه با نسل والدین آن‌هاست. طوری که تنها به ترتیب ۲ و ۵ درصد از مادران و پدران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، حالیکه برای نسل کنونی این رقم بیش از ۳۱ درصد است. این موضوع بیانگر ورود یکی از عناصر نوسازی در جامعه مورد نظر است.

جدول ۲. توزیع فراوانی تحصیلات والدین پاسخگویان

مادر		پدر		سطح تحصیلات والدین
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۹,۹	۵۳۱	۴۸,۲	۳۶۶	بی‌سواد
۱۸,۴	۱۴۰	۲۹,۳	۲۲۳	نهیضت و ابتدایی
۳,۸	۲۹	۸,۴	۶۴	راهنمایی
۰,۸	۶	۰,۷	۵	دبیرستان
۴,۹	۳۷	۷,۹	۶۰	دیپلم
۲,۲	۱۷	۵,۵	۴۲	تحصیلات دانشگاهی
۱۰۰	۷۶۰	۱۰۰	۷۶۰	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

برای این‌که بتوان اثر هر متغیر مستقل بر میزان باروری ایده‌آل را با کنترل سایر متغیرها نشان داد، از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده و نتایج در جدول ۳، ارائه گردیده است. با کنترل سایر متغیرها و با افزایش سن ازدواج، تمایل برای داشتن فرزندان کمتر می‌شود، اما رابطه مذکور معنادار نمی‌باشد. در ارتباط با متغیر ترجیح جنسی نیز با کنترل سایر متغیرها رابطه معنادار نشده است. با این وجود زنانی که ترجیح فرزند پسر دارند، باروری ایده‌آل‌شان نیز بالاتر می‌باشد. براساس اطلاعات جدول معلوم گردید که با کنترل سایر متغیرها، رابطه وضعیت اشتغال و باروری ایده‌آل، معنادار نمی‌باشد. همچنین تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که اثر فاصله بین موالید بر متغیر وابسته غیرمعنادار و معکوس است، یعنی هرچقدر فاصله تولدها از نظر زنان بیشتر باشد از تعداد فرزندان ایده‌آل آن‌ها کاسته می‌شود. با کنترل سایر متغیرها معلوم گردید که رابطه تحصیلات با باروری ایده‌آل معکوس و غیرمعنادار است. یافته‌ها نشان می‌دهد، زنان ساکن روستا باروری ایده‌آل بالاتری نسبت به زنان ساکن شهر دارند و این رابطه معنادار است. تحصیلات پدر نیز اثر معکوس و معناداری با شمار فرزندان ایده‌آل زنان دارد، طوری که زنانی که پدر تحصیلکرده تری دارند، شمار فرزند ایده‌آل‌شان کمتر است. تحصیلات مادر و

درآمد بعنوان دو شاخص دیگر از وضعیت یا پایگاه خانوادگی زنان مورد بررسی اثر معناداری بر باروری ایده‌آل آنان ندارد. با توجه به یافته‌های جدول، در کل حدود ۵ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای پژوهش تبیین شده است.

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی مربوط به اثر هر متغیر مستقل بر تعداد فرزند ایده‌آل با کنترل آماری

.Sig	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Error	B	
.۰	۶,۹۲۴		۰,۳۶۲	۲,۵۰۳	مقدار ثابت
۰,۰۵۷	-۱,۹۰۹	-۰,۱۲۴	۰,۰۲۹	-۰,۰۵۵	تحصیلات
۰,۸۵۴	-۰,۱۸۴	-۰,۰۱۱	۰,۱۳۴	-۰,۰۲۵	اشتغال (۰-شاغل ۱-خانه‌دار)
۰,۰۲۷	۲,۲۲۳	۰,۱۳۱	۰,۱۱۶	۰,۲۵۹	محل سکونت (۰-شهر ۱-روستا)
۰,۰۴۱	-۲,۰۴۸	-۰,۱۶۱	۰,۰۰۴	-۰,۰۸۱	تحصیلات پدر
۰,۲۳۶	۱,۱۸۸	۰,۰۹۲	۰,۰۴۷	۰,۰۵۶	تحصیلات مادر
۰,۶۷۷	۰,۴۱۷	۰,۰۲۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	درآمد
۰,۸۰۸	-۰,۲۴۳	-۰,۰۱۴	۰,۰۱۱	-۰,۰۰۳	سن ازدواج
۰,۱۱۸	-۱,۵۶۸	-۰,۰۸۸	۰,۰۳۱	-۰,۰۴۸	فاصله موالید
۰,۱۹۱	۱,۳۱	۰,۰۷۳	۰,۰۹۲	۰,۱۲۱	ترجیح جنسی فرزند (۰-دختر ۱-پسر)
		F= ۲,۷	Sig= .۰۰۴		
		R=۰,۲۷۶ R ^۲ =۰,۰۷۶ Adj.R ^۲ =۰,۰۴۹			

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر در بیشتر کشورها با سطوح مختلف توسعه، میزان باروری کاهش یافته است. در ایران نیز در دهه‌های اخیر باروری بطور چشمگیری کاهش داشته است، بطوریکه از رقم حدود ۷ بچه برای هر زن در اوایل دهه ۱۳۶۰ به رقم زیر ۲ رسیده است. در یکی دو دهه اخیر، میزان باروری در سطح شهرستان اهر هم به‌طور چشمگیری کاهش یافته و به زیر سطح جایگزینی رسیده است. به موازات کاهش باروری در این سال‌ها، ویژگی‌های اجتماعی افراد خصوصاً زنان نیز دچار

تغییراتی شده است. مثلاً در برخی مطالعات (Abdollahyan 2004) نشان داده شده است که سهم زنان در تحصیلات عالی در کشور سیر صعودی قابل توجهی داشته و سهمشان در تحصیلات دانشگاهی بیشتر از مردان است.

یافته‌های این بررسی حاکی از ورود گسترده زنان در سطوح عالی دانشگاهی است، اما از سویی با وجود این پیشرفت در آموزش هنوز زیرساخت‌های لازم برای ورود زنان تحصیل‌کرده به بازار کار در جامعه مورد مطالعه محقق نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در جامعه مورد مطالعه فرزند پسر بر دختر ارجحیت دارد و می‌توان ترجیح جنسی را از ویژگی‌های فرهنگی این جامعه به‌شمار آورد. نکته قبل تأمل دیگر این است، در جامعه مورد نظر الگوی دو فرزندگی الگوی رایج فرزندخواهی بشمار می‌رود. این یافته با نتیجه برخی مطالعات دیگر (حسینی و بگی، ۱۳۹۳؛ 2005؛ Hagewen and Morgan) همسو است.

اکابری و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه خود در بین زنان استان آذربایجان غربی نشان داده‌اند، زنان جوان‌تر تمایل به فرزند کمتری دارند. اما در این تحقیق با افزایش سن در هنگام ازدواج، ایده‌آل باروری زنان کمتر شده است. به عبارتی دیگر، زنان جوان‌تر در مقایسه با هم‌تایان مسن‌تر خود، گرایش به داشتن تعداد فرزندان بیشتری دارند. البته لازم به یادآوری است که سن نیز اثر معناداری بر باروری ایده‌آل ندارد. همان‌طوری که در سطرهای پیشین توضیح داده شد، زنان مورد بررسی گرایش به داشتن فرزند پسر دارند. ترجیح جنسی باعث می‌شود زنان فرزندآوری خود را تا رسیدن به فرزند دلخواه خود ادامه دهند. هر چند بین ترجیح جنسی و باروری ایده‌آل رابطه معناداری یافت نشد، اما یافته‌های توصیفی نشان داد، زنانی که ترجیح جنسی پسر داشته‌اند، تمایل دارند بچه بیشتری به دنیا بیاورند. این یافته با نتیجه مطالعه شهبازی (۱۹۹۷) که نشان داد ترجیح جنسی با باروری ایده‌آل رابطه معناداری ندارد، هماهنگ است.

لام (۲۰۰۷) نشان داده است، اشتغال بر باروری اثر معنادار دارد. درحالی‌که در این تحقیق رابطه دو متغیر مورد بررسی معنادار نگردید. با این وجود، زنان خانه‌دار به داشتن حدود ۲/۳ بچه و زنان شاغل به داشتن ۲/۲ بچه تمایل دارند. لذا این یافته

با برخی مطالعات (قاضی طباطبایی و مهری، ۱۳۹۲) که دریافته‌اند زنان ازدواج کرده شاغل، در مقایسه با هم‌تایان غیرشاغل خود گرایش کمتری به فرزندآوری دارند، هم سو است.

با اعمال کنترل آماری رابطه بین فاصله مناسب بین موالید و باروری ایده‌آل، با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، متغیرهای مورد نظر تنها حدود ۵ درصد از تغییرات باروری ایده‌آل زنان را تبیین می‌کنند. لذا مدل استفاده شده یا به‌عبارتی متغیرهای مورد بررسی قدرت تبیین‌کنندگی پایینی دارند. همچنین براساس بتاهای استاندارد، نتیجه گرفته می‌شود که در بین متغیرهای مستقل تحقیق به ترتیب تحصیلات پدر به‌عنوان معیاری از پایگاه خانوادگی و محل سکونت فرد به‌عنوان معیاری از پایگاه فرد، بیشترین اثر را بر متغیر وابسته داشته‌اند که تنها روابط معنادار به دست آمده نیز می‌باشند.

می‌توان نتیجه گرفت، نوعی همگرایی در بین زنان در زمینه نگرش‌شان به باروری شکل گرفته است. دیگر بین افراد با وضعیت اشتغال و سطح سواد گوناگون از نظر باروری ایده‌آل تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته به نوعی در مطالعه عباسی‌شوازی و همکاران (۲۰۰۲) در بین زنان یزدی نیز به دست آمده است. کم‌فرزندخواهی به یک ثرم تبدیل شده است و درون جامعه اشاعه یافته است. لذا تصور می‌شود که بهترین تبیین برای چنین رفتار باروری‌ای تأکید بر نظریه اشاعه ایده‌ها است. ایده اصلی پشت سر تئوری اشاعه این است که تعامل یک ساز و کار کلیدی است که از آن طریق پذیرش نوآوری‌ها، ایده‌ها و رفتارهای جدید اتفاق می‌افتد (Reed and Casterline, 1999). مدل اشاعه، پذیرش تغییر یا نوآوری بوسیله مردم در طول زمان را توصیف می‌کند. طبق این تئوری، کاهش باروری در نتیجه افزایش شیوع نگرش و رفتارهایی است که در جامعه پیش از این بسیار نادر بوده و یا وجود نداشته‌اند و افزایش شیوع آن‌ها از پیامدهای گسترش این نگرش‌ها و رفتارها از بخشی از جمعیت به بخش‌های دیگر است (Casterline, 2001)

از آنجایی‌که بسیاری از عوامل ارزشی همچون فردگرایی در این بررسی مورد مطالعه قرار نگرفته است (که یکی از محدودیت‌های بررسی بشمار می‌رود)، لذا

برای اطمینان از نتایج به دست آمده بهتر است مطالعات آتی به دنبال بررسی اثرگذاری متغیرهای دیگر همانند فردگرایی و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها در جامعه مورد مطالعه باشند. در پایان باید خاطر نشان ساخت که موفقیت سیاست‌های تشویق مولید در چنین جامعه‌ای راه بسیار سختی در پیش دارد. لذا پیشنهاد می‌شود زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی مناسب فراهم نمود تا زنان بتوانند باروری ایده‌آل خود که حدود ۲٫۳ فرزند بوده است را تحقق بخشند تا حداقل با این کار بتوان باروری سطح جایگزینی را حفظ نمود.

منابع:

- اکابری، آرش؛ محمودی؛ محمود؛ زراعتی، حجت و فرشته مجلسی (۱۳۸۷) «بررسی ارتباط عوامل اجتماعی- اقتصادی و دموگرافیک با باروری»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۵، شماره ۱.
- پژهان، علی و سیدمرتضی عرب (۱۳۹۵) «عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر تعداد فرزندان ایده‌آل در بین زنان شاغل و غیر شاغل منطقه ۸ تهران»، فصلنامه جمعیت شماره ۹۱ و ۹۲.
- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱) «تبیین کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی همدان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (بهبود)، دوره ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۷۴).
- شهبازین، سعیده؛ غلامی، آزاده و صفیه شهبازین (۱۳۹۳) «نقش ترجیح جنسی در رفتار باروری زنان شهرستان کنگاور»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۲، شماره ۶.
- صادقی، حنا سادات و حسن سرایی (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴) «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران؛ مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۲۵).
- عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲) «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱.
- عسکری ندوشن، عباس؛ حسینی، حاتم و حامد کریمی (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی عوامل تعیین کننده ایده‌آل‌های باروری زنان کرد شاغل و غیرشاغل شهر سنندج»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۷، شماره ۶۷.

- قاضی طباطبایی، محمود و نادر مهری (۱۳۹۲) «سنجش تأثیر مسئولیت زنان شاغل بر باروری در ایران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱.
- محمودیان، حسین (۱۳۷۹) «پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره پیاپی ۱۵.
- محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۳) «باروری ایده‌آل زنان و تعیین‌کننده‌های آن (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۲، شماره ۷.
- نیازی، محسن؛ تورنجی پور، فاطمه؛ نوروزی، میلاد و اسماء عسگری کویری (۱۳۹۵) «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- Abbasi-Shavazi, M.J. McDonald, P. Hosseini- Chavoshi, M. Kaveh-Firoz, Z. (2002) Study of the views of women about reproductive behavior in Yazd, Using qualitative methods. Journal of social sciences (20): 169 - 203.
- Abdollahyan, H. (2004) The generation gap in contemporary Iran. Journal of Welt Trends. 44: 74 - 85.
- Bankole, A. (1995) Desired fertility and fertility behavior among the Yoruba of Nigeria: A study of couple preferences and subsequent fertility, population studies, 49(2): 317 - 328.
- Becker, G. (1991) Treatise on the family, Enlarged edition. Cambridge: Harvard university press.
- Bongaarts, J. (2001) The end of the fertility transition in the developed world. Population council.
- Casterline, J. (2001) Diffusion processes and fertility transition: selected perspectives. National research council. Available from the national academies press at: <http://www.nap.edu/catalog/10228.htm>.
- Hagewen. K. J and Morgan. PH. (2005) Intended and ideal family size in the United States, 1970-2002-, Population and development review, 31(3): 507 - 527.
- Lam. G. (2007) How does gender equity affect fertility in Hong Kong? Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy. The Hong Kong University of Science and Technology.
- Reed, H. Briere, R. and Casterline, J. (1999) The role of diffusion processes in fertility change in developing countries, National Research Council. 1999. Available in: http://www.nap.edu/catalog.php?record_id=6475
- Shahbazi, A. Some socio-economic and demographic factors affecting fertility Nahavand city, Journal of Population, 1997, (20 - 19): 112 - 97.